پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۷۷ـ۹۴ (مقاله پژوهشی)

No. 39, Autumn & Winter 2019/2020

تبیین الگوی معلم به مثابه «مربی قرآن محور»

علیّه رضاداد[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۷/۷ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۰/۱۲)

چکیده

یکی از مهمترین مباحث در حوزه علوم تربیتی، الگو بودن عمل مربی برای متربی است. بـه طـور کلـی اگـر مجموعه مباحث اسلامی را در سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام در نظر بگیریم، با نگاهی به قرآن کریم و آمـوزه‌هـای معصومان پی خواهیم برد که این سه حوزه ارتباط وثیق با هم دارند، به گونه‌ای که نمی‌توان یکی را بـدون دیگـری در نظر داشت و فردی را که تنها در یکی از این سه حوزه ثابت قدم باشد، الگوی معلم و فراتر از آن الگوی انسان کامل و موفق قلمداد کرد. این سه حوزه که با دسته بندی دیگری به میدان ایمان و عمل صالح تعبیر گشته است، بخـش مهمـی از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده و از دیرباز موضوع بحث میان اندیشمندان اسلامی قرار گرفته اسـت. در این مجال با هدف تبیین رویکرد تبیین الگوی معلم به مثابه مربی قرآن محور با استناد به آیات و روایات و مراجعه بـه کتب تفسیری و حدیثی به بیان مهمترین ویژگی‌های الگوی معلم پرداخته‌ایم. در نتیجـه ایـن پـژوهش مـی‌تـوان گفـت الگوی مربی کامل اسلامی تنها در صورتی تحقق می‌یابد که معلم، رؤوس مثلث دین یعنی معرفت، شریعت و اخـلاق را همواره مدّنظر داشته و بداند بی‌اعتنایی به یکی از این سه حوزه، او را شایسته الگوی مربی کامل نمی‌نماید و در نتیجـه آموزه‌های او برای متربیان، نتیجه کافی و وافی به ارمغان نخواهد آورد.

کلید واژه‌ها: *قرآن کریم، روایات، الگو، مربی، معلم، اخلاق، عقاید، احکام*

---

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان؛ a.rezadad@cfu.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

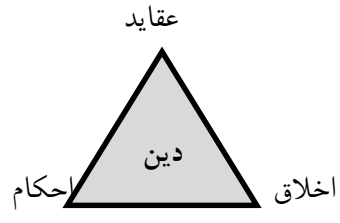
۱ـ درآمد

یکی از مهمترین ابعاد حیات مادی و معنوی انسان، پرورش استعدادهای اوست که این مهم در راستای «تربیت» انجام می‌پذیرد. در تبیین مفهوم تربیت از دیدگاه اسلامی آمده است: «تربیت عبارت است از پرورش همه جانبهٔ انسان در همهٔ مراحل زندگی بر اساس مبادی، ارزشها و راهکارهای تربیتی اسلام» (یالجن، ۲۰). از این‌رو، بر اساس آیات و روایات، تربیت در اسلام، ناظر به پرورش همه استعدادهای انسان در مسیر نیل به کمال وجودی خویش است و مربی حقیقی کسی است که متربی را در این جهت یاری می‌دهد؛ و در وهله اول، بزرگ مربی بشر خود خداوند است که «دین» را به عنوان مرامنامه تربیتی انسان در نظر گرفته است. برترین و کاملترین منشور این مرامنامه، «قرآن کریم» است که برای رشد انسانها به منظور نیل به غایت خلقت خویش نازل شده است. این مرامنامه، مشتمل بر سه عنصر عقاید، اخلاق و احکام است و سلامت رشد را در همه زمینه‌ها تضمین می‌کند.

لذا یک مربی قرآن محور، مربی ای است که در برنامه تربیتی خویش، رشد همه جانبه متربی را در مسیر نیل به هدف غایی و کمال نهایی خویش لحاظ کرده و بر این اساس، سه محور عقاید، اخلاق و احکام را در کنار یکدیگر مورد عنایت قرار دهد. نیز در بعد روش تربیتی الگویی، خود الگویی تام در هر سه محور باشد.

۲ـ تبیین مسأله

در نگاه کلی به دین، آموزه های مختلفی به چشم می‌آید که می‌توان آنها را به سه مجموعه کلی تقسیم نمود. این سه مجموعه عبارتند از عقاید، احکام و اخلاق که رؤوس مثلث دین را تشکیل می‌دهند:



[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

البته معیار بیشتر افراد برای محک زدن دینداری، همان نگاه به عمل کـردن بـه احکـام فقهی است. شاید پررنگ شدن احکام فقهی نسبت به دیگر مسـائل دیـن، از آنجـا نشـأت گرفته باشد که بیشتر حوزه‌های علمیه و عالمان دینی از قرون گذشته، بیشترین تمرکز خود را بر استنباط احکام فقهی بنا نهاده‌اند، به گونه‌ای که بیشتر کتب نگاشته شـده توسـط ایـن عالمان در مسیر تحصیلات علوم دینی، کتب فقهی است. در حالی که در نگاه به قرآن کریم، تعداد آیات فقهی به حدود ۵۰۰ آیه یعنی تقریبا ۱۲ درصد از آیات می‌رسد (سیوری، ۵/۱) که حجم زیادی را در برابر کتب فقهی نگاشته شده شامل نمی‌شود.

مسأله توجه صرف به احکام فقهی، با واکنش منفی از جانب روشنفکران معاصر مواجـه شده است. واکنشی که در اثر تمایل به معنویت در تمدن نوین ظهور یافته و نگاه روشـنفکر مآبانه به دین را در پی داشته است و در نتیجه آن، شـریعت از دایـره معیارهـای دینـداری خارج شده و شعار تکیه بر معنویت و اخلاق منهای احکام فقهی داده می‌شود. همان که در زبان مردم عوام با عنوان «پاک بودن دل» مطرح می‌گردد و انجام اعمال و مناسـک مـذهبی را در نگاهشان کمرنگ نموده است.

به عبارت دیگر تقلیل گرایی در زندگی معنوی انسانها را می‌تـوان در دو بعـد خلاصـه نمود: ۱ـ بسنده کردن به شریعت و احکام فقهی؛ ۲ـ بسنده کردن به آموزه‌هـای اعتقـادی و اخلاقی، که هر دو سبب آسیب‌های جدّی به دین و دینداری را موجب شده است.

حال مسأله اصلی اینجاست که مربی در فرایند تأثیرگـذاری بایـد واجـد خصوصـیات مثبتی باشد که بتواند متربی را جذب نموده و منشأ اثر باشد. سؤال اساسـی در ایـن مجـال این است که آیا مربی به عنوان الگو می‌تواند تنها در یک بعد به رشد و کمال نائل آید و در دیگر حوزه‌های معرفت دینی گام ننهد یا آنکه الگوی کامل از دیدگاه قرآن کریم و روایـات معصومین(ع) تنها در سایه ایمان و عمل صالح و به تعبیری در سایه ایمان و عمل به رؤوس مثلث دین فراهم می‌آید؟ در پاسخ این سؤال به نظر می‌رسد که مربی آن‌گاه می‌تواند وظیفه اصلی خود را ایفا نماید و الگویی برای دیگران باشد که مجهز به سلاح ایمان و عمل صالح

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

بوده و این هر دو را توأمان سرلوحه خود قرار دهد. به تعبیر امیرمؤمنان (ع) «کَیفَ یُصلِحُ غَیرَهُ مَن لَم یُصلِح نَفسَهُ: کسی که خود را اصلاح نکرده است، چگونه می‌تواند دیگران را اصلاح کند؟» (آمدی، ۵۱۷).

ضرورت انجام این موضوع بدان جهت است که امروزه علی‌رغم آنکه روشهای متفاوتی برای تعلیم و تربیت مذهبی به کار گرفته می‌شود و اهتمام والدین و مربیان برای تربیت و انتقال مفاهیم دینی بسیار جدّی است، امّا به نظر می‌آید در عمل شاهد هستیم این تلاشها آن‌گونه که شایسته است، به ثمر نمی‌نشیند و نسل نو برای یافتن الگویی تمام عیار در مسیر تربیت مذهبی چه بسا که حیران است. این نوشتار در پی آن است تا بتواند الگویی را برای مربی تعریف نماید که بتواند در مسیر انتقال مفاهیم مذهبی نقش شایسته‌ای را ایفا نماید.

۳ـ تبیین مفهوم الگو

واژه «الگو»، معادل آن «اسوه» در زبان عربی است. اسوه در حالت مصدری به معنای حالت پیروی کردن می‌باشد. در مفردات راغب، اسوه عبارت از حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند که در واقع همان تأسی کردن و اقتدا نمودن است (راغب اصفهانی، ۷۶).

در قرآن کریم این واژه سه بار به کار رفته است که به همان معنای مصدری است. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه «**لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَة**...: برای شما... شخص رسول اللّه مقتدای پسندیده‌ای است» (الاحزاب، ۲۱) می‌فرماید: «اسوه در مورد رسول خدا(ص) پیروی از اوست و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا(ص) و ایمان آوردن شما این است که هم در گفتار و هم در رفتار، به او تأسی کنید. این معنا منافاتی با معنای اسمی آن ندارد؛ همان‌گونه که زمخشری در کشاف در معنای اسوه دو احتمال ذکر کرده است؛ یکی این که خود رسول خدا (ص) فی نفسه «أسوه حسنه و مقتدی به» است، دیگری این که در وجود رسول خدا (ص) خصلتی هست که جا دارد مردم به آن حضرت در آن صفت اقتدا کنند» (طباطبایی، ۲۸۸/۱۶).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

«قدوه» واژه دیگری است که معادل با معنای اسوه و الگـو در زبـان عربـی اسـت (ابـن منظور، ۱۷۱/۱۵) و در قرآن کریم به معنای تبعیت از انبیا یا تبعیت از آباء و اجداد به کـار رفته است (مصطفوی، ۲۱۶/۹).

باید توجه داشت، الگو در زبان فارسی از وسعت معنایی بیشتری برخوردار است. زیـرا اسوه و قدوه عمدتاً ناظر به الگوهای انسانی است و بیشتر در مورد تربیت و تقویـت ابعـاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می رود. در حالی‌که واژه الگو، علاوه بر اینهـا بـه معنای طرح ، مدل ، نمونه و غیره نیز آمده است (دهخدا، مدخل الگو) که عمدتاً در مسـائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. اما به هر روی، در مفهـوم اصـطلاحی، اسـوه و الگـو در حوزه تعلیم و تربیت، کاملاً با معنای لغوی آن تطابق دارد و الگو به شخصیتی گفته می‌شـود که به دلیل دارا بودن برخی از خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است.

٤ـ الگوی مربی قرآن محور

حال به مهمترین مسأله این مقاله می‌پردازیم که از دیدگاه قرآن کریم الگوی مربی کامل چیست و یک معلم در عرصه تعلیم و تربیت چگونه مـی‌توانـد الگـویی تمـام عیـار بـرای متربیان باشد و چگونه بر اندیشه و عمل آنان تأثیر گذارد؟ این بحث را با توجه بـه مثلـث دین که پیش از این بدان پرداختیم، تبیین خواهیم نمـود. آنچـه در قـرآن کـریم و روایـات معصومان (ع) مبنای اصلی این بحث است، ارتباط وثیق میان سه حـوزه عقایـد، احکـام و اخلاق است که به بیان نقش هر یک از این حوزه‌ها در شکل دهی شخصـیت مربـی قـرآن محور می‌پردازیم.

٤ـ۱. الگوی مربی قرآن محور در حوزه باورها

باور از عناصری است که می‌تواند شخصی را وادار بـه عمـل کنـد؛ بـه طـوری کـه در صورت نبود آن باور، فعل از سوی فاعل تحقق نمی‌یابـد. معادلـه آن را مـی‌تـوان بـه ایـن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

صورت ترسیم کرد:

باور ----> قصد ----> فعل

بنابراین هر انسانی رفتار خود را به تناسب عقاید خویش انجام می‌دهد و هیچ کس نیست که بدون عقیده کار کند، حتی افراد منافق هم که سود خود را در دورویی می‌پندارند، بر اساس همین توهم ناروا، به سودمندی نفاق اعتقاد پیدا کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۸۵).

به‌طورکلی اصول مهم در شکل دهی باورهای مربی خودشناسی و خداشناسی است، و در پی خداشناسی باور به عدل، نبوت، امامت و معاد حاصل می‌آید. بنابراین توحید مهمترین مبنای تربیت اخلاقی در قرآن کریم است. از نگاه قرآن انسان با اعتقاد به مبدأ و معاد، اعتقاد خویش را شروع می‌کند و آن‌گاه که ولایت الهی را پذیرفت به فضایل اخلاقی متخلق می‌گردد و تسلیم اوامر الهی می‌گردد و آمادگی برای پذیرش اوامر الهی پیدا می‌کند. این تقدم از دلالت تقدیم و تأخیر واژگان «آمنوا» و «عملوا الصالحات» در دایره واژگانی آیات مستفاد می‌گردد. به طوری که دو ریشه "امن" و "عمل" و مشتقات آنها در کلام الله مجید با تقدم ایمان بر عمل نود وشش بار در قرآن تکرار شده است (برای نمونه نک: البقره، ۸۲، ۲۷۷؛ النساء، ۱۲۲؛ المائده، ۹؛ الاعراف، ۴۲؛ مریم، ۹۶؛ النور، ۵۵؛ فرقان، ۷۰؛ العنکبوت، ۷؛ الروم، ۱۵؛ سبأ، ۳۷؛ الشوری، ۲۲؛ العصر، ۳). هنگامی که واژه عمل بر ایمان مقدم می‌شود، این ترکیب، سیزده مرتبه در آیات به کار رفته است. (سیزده آیه مورد نظر عبارتند از: النساء، ۱۲۴؛ المائده، ۹۳؛ الاعراف، ۱۵۳؛ التوبه، ۱۰۵؛ یونس، ۹؛ النحل، ۹۷؛ طه، ۱۱۲؛ الانبیاء، ۹۴؛ النور، ۵۵؛ سبأ، ۳۷؛ غافر، ۴۰، محمد، ۲؛ الطلاق، ۱۱). با بررسی تمام سیزده مورد، روشن می‌گردد که درآیات سیزده گانه نیز، تقدم ایمان بر عمل مورد نظر است.

به عنوان نمونه در آیه ۱۲۴ سوره نساء که می‌فرماید: «وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِکَ يَدْخُلُونَ **الْجَنَّةَ** وَ لا يُظْلَمُونَ نَقيرا: و هر کس که کاری شایسته کند چه زن و چه مرد اگر مؤمن باشد به بهشت می‌رود و به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرماست به کس ستم نمی‌شود»، ایمان را شرط ورود صاحب عمل صالح به بهشت قرار داده است. پس ایمان مقدمه‌ای برای عمل صالح قرار گرفته است (طباطبایی، ۸۷/۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

در کارکرد معرفتی این موضوع می‌توان گفت اگر مبنای اعتقادی جامعه استوار گردد، و اعتقاد به خداوند متعال در قلبهای افراد رسوخ کرده باشد، بسیاری از مشکلات اخلاقی و پرسش از چراییها در خصوص احکام مطرح نخواهد گشت. زیرا آنچه که مبنای اصلی باور به دین است، تعقل و خردورزی در اصول عقاید می‌باشد. حال اگر فردی مسیر انتخاب دین را از ابتدا، آگاهانه و با علم پیش رود و مبدأ خویش را از تفکر در امر توحید انتخاب نماید، در این صورت به کژ راهه نخواهد رفت. زیرا معرفت به ذات اقدس الهی و صفات او، پاسخ به پرسشهای بسیاری را فرا روی وی قرار خواهد داد. در حالی که بسیاری از افراد، مبدأ را از احکام انتخاب می‌کنند تا در نهایت به مقصد توحید برسند. فلذا اصل مهم در نتیجه بخش بودن عقاید، در الگوی مربی قرآن محور این است که مربی از روی علم و آگاهی به انتخاب دین دست زند، و معرفت حق تعالی و توحید را سر لوحه خویش قرار دهد، تا پیمودن مسیر هدایت برایش هموار گردد و بتواند الگوی حقیقی برای متربیان باشد.

٤ـ۲. الگوی مربی قرآن محور در حوزه اخلاق

محور دوم در شاکله الگوی مربی «اخلاق» است. جامعترین تعریف اخلاق عبارت است از: علمی که با معرفی و شناساندن انواع خوبیها و بدیها، راههای کسب خوبیها و رفع بدیها را به ما می‌آموزد. از این‌رو هم بعد شناختی و معرفتی دارد و هم بعد عملی و رفتاری (شریفی، ۲۶).

در مثلث دین به نظر می‌رسد اخلاق مربی بیشترین تأثر را بر متربی می‌گذارد. هرگاه اخلاق نیکو شد، گفتار انسان نیکو خواهد شد. و هر قدر تلاش اخلاقی انسان بیشتر باشد، تأثیر بر قلوب و تسخیر آنها میسرتر خواهد شد. چرا که آن چیز که بر قلبها حکم می‌راند، خُلق زیباست و نه خَلق زیبا. به همین سبب است که پیغمبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «بُعِثتُ بِمَکارِمِ الأخلاقِ وَ مَحاسِنِها: من به مکارم اخلاق و زیباییهای آن برانگیخته شدم» (مجلسی، ۲۱۰/۱۶).

قرآن کریم نیز در مقام الگو بودن پیامبر اکرم(ص) و معرفی ایشان به عنوان اسوه حسنه، ویژگی عظیم ایشان را «خلق عظیم» معرفی می‌نماید: «**وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیم**: و تو راست

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

خُلقی عظیم» (القلم،۴) که بنابر نظر مفسران بیشتر ناظر به اخلاق اجتماعی پیامبراکرم(ص) می‌باشد (نکـ . رحیمی، ۱۳۸۸).

البته باید توجه داشت همان گونه که در تعریف اخلاق گفته شد، اخلاق در دو شاخه نظری و عملی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. بعد نظری اخلاق از آن جهت اهمیت دارد که تا مربی خوبیها و بدیها را نشناسد، نمی‌تواند متخلق به اخلاق الهی شود و الگوی شایسته‌ای برای متربیان باشد. و بعد عملی آن که در واقع نتیجه بعد نظری است در حوزه اعمال نمودار می‌گردد. از این جهت بعد عملی اخلاق را در حوزه اعمال که شامل فقه و اخلاق عملی می‌گردد، مورد بررسی قرار دادیم.

در کارکرد معرفتی این موضوع می‌توان گفت در بسیاری موارد در امر تعلیم و تربیت، شاهد هستیم آنچه سبب جذب افراد به یک گرایش و یا یک الگو شده است، اخلاق مربیان آن بوده است که توانایی جذب متربیان را داشته‌اند. در غیر این صورت چه بسیار مشاهده می‌گردد افرادی که مدارج بالای علمی را طی نموده و علم فراوانی اندوخته‌اند اما به سبب آنکه از صفات و ملکات نفسانی والای انسانی برخوردار نیستند، قادر به جذب افراد و انتقال شایسته مطالب علمی نباشند.

همان‌گونه که در قرآن کریم نیز، اخلاق پیامبر (ص) عاملی برای جذب مردم و دعوت به اسلام و توسعه آن بوده است: «**فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ**: به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران، ۱۹۵).

٤ـ۳. الگوی مربی قرآن محور در حوزه اعمال (فقه و اخلاق عملی)

در این مقوله نخست به این مطلب بپردازیم که اصلا مراد از اعمال چیست؟ آیا صرفا احکام فقهی در مقوله اعمال جای می‌گیرد یا آنکه اخلاقیات نیز در این حوزه قرار می‌گیرد؟ به تعبیری آیا میان اخلاق و رفتار یعنی عملکرد افراد رابطه‌ای وجود دارد؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

برای پاسخ به این سوال با توجه به آنچه پیش از این گفته شد اخلاق به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌گردد. و چون نمود و کارکرد اصلی اخلاق نظری، بروز و ظهور صفات و ملکات نفسانی در اعمال فرد و یا همان اخلاق عملی است، از این جهت شایسته است که اخلاق عملی نیز در کنار احکام فقهی در مقوله اعمال قرار گیرد و چه بسا در نگاهی کلی‌تر، برخی از احکام فقهی نیز رنگ و بوی مسائل اخلاقی به خود بگیرد، مانند مباحث مربوط به آداب معاشرت.

به تعبیر دیگر رابطه اخلاق و رفتار یعنی عملکرد افراد، رابطه‌ای بدیهی است. زیرا عملکرد افراد از صفات درونی آنها نشأت می‌گیرد. مثلا فردی که در عمل دچار غیبت می‌گردد، در درونش صفت حسد، کینه و غیره را ممکن است داشته باشد (نکـ. مکارم شیرازی، ۷۱/۱ـ۷۴)

از این‌رو، به دلیل اشتراک مسائل فقه و اخلاق عملی در تنظیم زندگی و اعمالی که از انسان سر می‌زند این دو حوزه را با عنوان کلی اعمال بررسی می‌نماییم.

همان‌گونه که پیش از این آمد، در قرآن کریم بیشترین صفتی که برای اعمال به کار برده شده است، صفت صالح است که در بیشتر موارد همراه با مقوله ایمان به کار رفته است. از این‌رو، در شاکله الگوی مربی قرآن محور ارتباط وثیق و ناگسستنی میان ایمان و عمل صالح یعنی حیطه نگرشها و کنشها وجود دارد. قرآن کریم و روایات بسیاری نیز بدین موضوع اشاره نموده‌اند. مثلا در روایتی از امام رضا (ع) آمده است:

«لا تدعوا العمل الصالح و الاجتهاد فی العبادة إتکالا علی حب آل محمد علیهم‌السلام، لا تدعوا حب آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و التسلیم لأمرهم إتکالا علی العبادة فانه لا یقبل أحدهما دون الآخر: مبادا اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد(ص) رها کنید، مبادا دوستی آل محمد (ص) را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید، زیرا هیچ کدام از این‌دو، به تنهایی پذیرفته نمی‌شود» (الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه‌السلام، ۳۹).

براساس این روایات حبّ اهل بیت (ع)، به عنوان معیاری برای باور، و جهد و تلاش در راه عبادت، معیاری برای عمل است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

در روایات دیگری مبنای افتراق معنای شیعه و محبّ اهل بیت (ع) که در حوزه باورها با یکدیگر مشترکند، عمل افراد قرار گرفته است. شیعیان واقعی در این روایات دارای ویژگیهای خاصی هستند و به وسیله همان صفات و نشانه‌ها نیز شناخته می‌شوند. زیرا داشتن محبت اهل بیت (ع) به تنهایی برای شیعه بودن کافی نیست؛ زیرا بسیارند کسانی که ادعای محبت اهل بیت (ع) را دارند، اما شیعه واقعی نیستند. دو نمونه از این روایات از حضرت زهرا (س) و امام رضا (ع) این مطلب را به تفصیل بیان نموده‌اند که بر اساس آن، شیعه واقعی باید دقیقاً با پیروی از ائمه اطهار (ع)، آنان را در گفتار، رفتار، عبادت و همه شئون زندگی الگو و سرمشق خود قرار دهد و متمسک به سیره عملی آنان باشد.

در بخشی از روایت امام رضا (ع) در پاسخ به درخواست دیدار گروهی که ادعای تشیع راستین داشتند آمده است:

«شما ادّعای بسیار بزرگی کردید؛ و اظهار داشتید که شیعه حضرت امیرالمؤمنین، امام علی بن ابی طالب(ع) هستید. وای بر حال شما، آیا معنای ادّعای خود را فهمیده‌اید؟... شما بسیاری از اعمال و کردارتان مخالف آن حضرت می‌باشد و در انجام بسیاری از واجبات الهی کوتاهی می‌کنید و نسبت به حقوق دوستان خود بی‌اعتنا و بی‌توجّه هستید و در مواردی که نباید تقیّه کنید، انجام می‌دهید و با این عملکرد نیز مدّعی هستید که شیعه امیرالمؤمنین، امام علی(ع) می‌باشید!! شما اگر می‌گفتید که از دوستان و علاقمندان آن حضرت و از مخالفین دشمنانش هستیم، شما را می‌پذیرفتم... شما منزلت و مرتبه‌ای بسیار عظیم و شریف را مدّعی شدید، که چنانچه در گفتار و کردارتان صادق نباشید، به هلاکت خواهید افتاد، مگر آنکه مورد عنایت و رحمت پروردگار متعال قرار گیرید و لطف خداوند شامل حالتان شود.» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ۳۱۴)

مشابه این روایت روایتی از حضرت زهرا (س) است. در این روایت آمده است: «مردی به همسرش گفت: به حضور حضرت زهرا (س) برو و از قول من به آن حضرت بگو: من از شیعیان شما هستم، آیا شما من را به عنوان شیعه خود می‌پذیرید؟ همسر او به حضور

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

حضرت فاطمه (س) آمد و پیام شوهرش را ابلاغ کرد. حضرت فاطمه(س) به او فرمود: به شوهرت بگو: اگر آنچه را که ما ـ اهل بیت عصمت و طهارت (ع) ـ دستور داده‌ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم خودداری نمایی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر... (همانجا، ۳۰۸).

بنابراین، باید توجه داشت محبت اهل‌بیت(ع) به تنهایی برای رستگاری کافی نیست و آنچه انسان را به فلاح می‌رساند، محبت به معنای ایمان قلبی و عمل توأمان است. همان‌گونه که در قرآن کریم ایمان و عمل صالح در مواضع بسیاری قرین یکدیگر ذکر شده است و جدایی هر یک از دیگری سبب نقصان آن خواهد بود.

در همین راستا باید توجه داشت یکی از مهمترین مسائل برای آنکه نشان برجسته الگو بودن شایسته عنوان معلم گردد، باید در مسیر تربیت، الگوهای برتر را اسوه و مقتدای خویش قرار دهد. در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد» (سیدرضی، حکمت ۷۳).

۵ـ معیار انتخاب الگوی راستین و تشخیص حق از باطل

حال سؤال این است که معلمی که قدم در وادی تربیت نهاده، چگونه می‌تواند الگوی راستین برای خویش انتخاب نماید و معیار تشخیص اعمال صالح از اعمال ناپسند چیست؟ با این پرسش آنچه از متن قرآن کریم (برای نمونه نکـ. آل‌عمران، ۳۲، ۱۳۲؛ النساء، ۵۹؛ المائده، ۹۲؛ الانفال، ۱، ۲۰، ۴۶؛ النور، ۵۴؛ محمد، ۳۳؛ المجادله، ۱۳؛ التغابن، ۱۲) و روایات برمی‌آید، این است که فرد مؤمن موظف است به دستورات الهی که توسط پیامبر اکرم و ائمه معصومین(ع) نقل شده، عمل نماید و زمام امور خویش را به دست آن بزرگواران بسپارد. در روایتی امام رضا (ع) خطاب به عبدالسلام هروی فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَحْيَا أَمْرَنَا، فَقُلتُ لَه: كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُم؟ قالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاس، فَإِنَّ النَّاسَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا: خدا رحمت‌کند کسی را کـه امـر مـا را زنـده کنـد. گفـتم: چگونه این کار را کند؟ فرمود: آموزشهای ما را یاد بگیرد و به مردم بیاموزد. زیرا مردم اگر زیباییهای سخن ما را بدانند از ما پیروی می‌کنند» (ابن بابویه، معانی الاخبار، ۳۰۷/۱).

از این رو، معیار تشخیص حق از باطل فردی نبوده و در این مسیر باید بـه متخصصـان دین مراجعه کرد. ضرورت انجام این امر از آن روست که محب اهل بیت (ع) برای یکرنگی با ایشان ناگزیر از اجرای اوامر آن بزرگواران است. لذا باید معیاری در اختیار داشته باشـد تا بتواند اطاعت راستین خود را اثبات نماید. چرا که امام صادق (ع) فرمودند:

لو کان حبک صادقا لاطعته ان المحب لمن یحب مطیع

(اگر دوستی تو صادقانه باشد، او را اطاعت می‌کنی، زیرا هر کـس شخصـی را دوسـت داشته باشد او را اطاعت خواهد کرد) (ابن بابویه، الامالی، ۴۸۹).

آنچه از مضمون روایات پیش گفته به دست می‌آید، این است که اهـل بیـت (ع) خـود معیار حق و تشخیص صحیح از سقیم اند. آنچه در متـون روایـی از صـدر اسـلام و لسـان پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، گواه بر این است که سخن و فعل ائمه معصومین (ع) حـق و حجت است و اطاعت از اوامر و نواهی ایشان آدمی را در مسیر صواب قرار می‌دهـد. از زمره این روایات سخن مشهور «عَلِیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ یَدُورُ حَیْثُمَا دَارَ» (شیخ مفید، ۹۷) می‌باشد. نیز در روایت حضرت فاطمه زهرا (س) مرجـع تشـخیص حـق از باطـل را اهل‌بیت(ع) معرفی می‌کنند و بدین ترتیب مرجعیت پیروی از سنت و حجیـت تبعیـت از آن بزرگواران را می‌توان دریافت کرد. چرا که اطاعت از اوامر و نـواهی ایشـان اسـت کـه راه فلاح را می‌نمایاند و سبب جاودانگی در بهشت برین و یا خلود در آتش می‌باشد.

در روایتی از امام صادق (ع) است: «لَیْسَ مِنْ شیعَتِنا مَنْ قالَ بِلِسانِهِ وَخالَفَنا فی أعْمالِنـا وآثارِنا وَلکِنْ شیعَتُنا مَنْ وافَقَنا بِلِسانِهِ وَقَلْبِهِ وَاتّبَعَ آثارَنا وعَمِلَ بَأعْمالِنـا أولئـکَ شـیعَتُنا: از شیعیان ما نیست کسی که به زبان [شیعه بودن را] اظهار کند و در رفتار مخالفِ ما و رفتـار ما باشد. شیعه کسی است که با زبان و قلبش موافق ما باشد و از آثار مـا پیـروی نمایـد و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

طبق رفتار ما رفتار کند. آنها شیعیان ما هستند» (حر عاملی، ۲۴۷/۱۵).

و در جای دیگر در رد کسانی که معیار تشخیص اعمال را سلیقه‌های شخصی فرض کرده‌اند می‌فرماید:

«قَومٌ یَزْعَمونَ أنّی إمامُهُمْ، وَاللّهِ ما أنَا لَهُمْ بِإمامٍ لَعَنَهُم اللّهُ کُلّما سَتَرْتُ سِتْرا هَتَکوهُ، أقولُ: کذا وکذا، فَیَقولون: اِنّما یَعْنی کذا وکذا. اِنَّما أنَا إمامُ مَنْ أطاعَنی: گروهی گمان می‌کنند که من امام آنها هستم، به خدا قسم من امام آنها نیستم، نفرین خدا بر آنها باد. [زیرا] هرگاه رازی را پنهان می‌کنم آنها آشکار می‌کنند. من می‌گویم: چنین و چنین است و آنها می‌گویند چنین و چنان اراده کرده است. همانا من امام کسی هستم که از من پیروی کند» (نعمانی، ۳۷).

و همچنین در رد آنان که حقیقت را در آراء افرادی غیر از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌جویند، فرمود: «کَذِبَ مَنْ زَعَمَ أنّهُ مِنْ شیعَتِنا وَهُو مُتمسّکٌ بِعُرْوَةِ غَیْرِنا: دروغ گفته است کسی که می‌پندارد از شیعیان ماست ولی چنگ به ریسمان دیگران می‌زند» (ابن بابویه، صفات الشیعه، ۳).

البته از عصر پیامبر اکرم (ص) تا عصر حاضر گروهی از مسلمانان گویا خود را دانا به معارف قرآن دانسته و شعار «حسبنا کتاب الله»[1] سر می‌دهند و بر این باورند که خود می‌توانند احکام دین و معارف آن را از متون قرآن و روایات دریابند. غافل از آنکه فهم قرآن و روایات و تشخیص اعمال از عهده فردی که تخصص در فهم دین ندارد، بیرون است و در زمان حضور اهل بیت علیهم‌السلام ایشان مرجع فهم دین بوده و در زمان غیبت ائمه اطهار علیهم السلام، باید به عالمان دین مراجعه کرد. آن‌گونه که در روایت شریف از امام‌عصر(عج) آمده است: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلی رواة حدیثنا فإنهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم: درباره حوادثی که برایتان پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید، چرا که آنان حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم» (ابن بابویه، کمال‌الدین، ۴۸۴/۲).

---

۱. این سخن نخستین بار توسط عمر بن خطاب بیان شد؛ در ماجرایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضای قلم و کاغذی فرمود تا وصیتی بنگارد که مردمان بعد از ایشان گمراه نشوند (نک. احمد بن حنبل، ۳۲۵/۱؛ بخاری، ۱۳۸/۵ و ۹/۷).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

شایان ذکر است ائمه معصومین علیهم‌السلام که قول و فعلشان معیار تشخیص اعمال است، به دو قوه علم لدنی و عصمت مزیّنند. از این‌رو، در افعال و گفتارشان خطا و خللی وارد نبوده و معیار محکمی برای فهم دین می‌باشند که تبیین تفصیلی آن مجال دیگری را می‌طلبد.

در رویکرد معرفتی و به عنوان نتیجه عملی باید گفت با توجه به تفاوت محب و شیعه در لسان روایات، وظیفه محبین اهل‌بیت(ع) این است که به درجات بالای تقوا رسیده و به مرتبه شیعه بودن نایل آیند. زیرا محبت به تنهایی کافی نیست و علاوه بر پاک بودن قلب و باور قلبی به ائمه‌معصومین(ع)، عمل صالح باید سر لوحه اعمال باشد، تا شایسته کسب نشان افتخار شیعه واقعی گردند. بر همین اساس معلم قرآن محور باید تلاش نموده تا به مراتب بالای تقوا و یقین دست یابد، تا الگوی تمام عیار متربیانش قرار گیرد.

ضمن آنکه برای مربی آنچه در درجه نخست از اهمیت قرار دارد این است که بتواند بر عمق جان متربیان اثر گذارد و آنان در افکار و اعمال از وی تبعیت نمایند. از این رو، برای تحقق این امر از نظر قرآن، گفتار خوب آن است که گویندهٔ آن قبل از سخن، عمل کرده باشد: «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ قالَ إِنَّنی مِنَ الْمُسْلِمین: چه کسی را سخن نیکوتر از سخن آن که به سوی خدا دعوت می‌کند و کارهای شایسته می‌کند و می‌گوید البته که من از مسلمانانم؟» (فصلت، ۳۳).

در روایات آمده است: «إن العالم إذا لم یعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب کما یزل المطر عن الصفا: هرگاه عالِم به مقتضای علم خود عمل نکند، اثر موعظه از روی قلب پاک می‌شود؛ مانند باران که بر سنگ صیقلی نمی‌ماند» (کلینی، ۴۴/۱). و یا فرموده اند: «کونوا دعاة للناس بغیر ألسنتکم: مردم را با غیر از زبان خود [به نیکی‌ها] دعوت کنید» (همان، ۷۸/۲).

و این همان نکته تربیتی ضرب المثل مشهور است که: «رطب خورده منع رطب چون کند».

۶ـ آسیب‌شناسی

بدیهی است متربیان در نظام تربیتی به مربی خویش می‌نگرند و از وی الگوگیری

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

می‌نمایند، چنانچه مربی مدعای دینداری داشته باشد و نتواند به الگوی مربی قرآن محور دست یابد، باعث ضلالت و دور افتادن متربیان از مسیر حق می‌گردد.

به تعبیر دیگر، اگر فردی به یکی از این سه محور بی اعتنا باشد یا به یکی از این ابعاد بیشتر توجه نموده و از بقیه غفلت ورزد، کاریکاتوری از دین ساخته و شایسته الگوی کامل مسلمانی نیست. مثلا یکی از آسیب‌های توجه بیش از حد به مقوله اخلاق، نگاه کارکردگرایانه یا پراگماتیسم است. در این نگرش زبان دین به این دلیل سودمند تلقی می‌گردد که دارای نقش عملی در زندگی فردی و اجتماعی انسان است نه از آن لحاظ که دارای پشتوانه‌ای نظری و برخوردار از واقعیت عینی است. از ویژگی‌های اساسی این نظریه آن است که تمام مضمون و محتوای دین را در قالب توصیه‌های اخلاقی و انشاءات محدود می‌نماید. به عبارت دیگر دین در این دیدگاه، صرفا نقش اخلاق را بر عهده دارد و در بعد عقاید و احکام، فاقد پشتوانه حقیقی است. بدین رو اگر گفته می‌شود خدا را عبادت کنید و یا از روز رستاخیز پروا کنید، نوعی تحریک و ترغیب به رفتارهایی است که در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها سودمند است، نه آن که ریشه در واقعیت داشته باشد (نکـ. سعیدی روشن، ۱۲۴ـ۱۴۰).

از این رو، باید بدانیم در نگاه اولیه و کلی، دینداران آینه تمام نمای دین نیستند، چرا که اگر دینداران ادعایی را الگو قرار دهیم، با انحرافات آنان از دین جدا می‌گردیم. لذا بر متربیان است که علاوه بر الگوگیری از مربی، خود به دنبال حقیقت بوده و با خردورزی سره را از ناسره تشخیص دهند و در شناخت حق بر مناط و محور اشخاص عمل نکنند. زیرا در طول زمان رسالت پیامبر اکرم (ص) و پس از آن، دینداران بسیاری بودند که به تدریج از بدنه اسلام خارج شدند. از این‌رو، اگر کسی بخواهد دین را با معیار اشخاص بسنجد، گمراه خواهد شد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «من دخل فی هذا الدین بالرجال أخرجه منه الرجال کما أدخلوه فیه و من دخل فیه بالکتاب و السنة، زالت الجبال قبل أن یزول: کسی که با واسطه یا تقلید از کسی وارد دین اسلام شود، همان شخص او را از دین خارج می‌کند، امّا اگر به واسطه کتاب و سنت وارد دین شود، اگر کوه‌ها بلرزند او نمی‌لرزد» (نعمانی، ۲۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

البته وظیفه مربی قرآن محور است که در تلاش باشد تا بتواند به الگـوی کامـل دسـت یابد؛ زیرا از آن‌جا که مفاهیم، همیشه با مصادیق معنا پیدا می‌کنند و افـراد بـرای شـناخت دین، مصداقها را مورد توجه قرار می‌دهند. به نظر بسیاری از عوام جامعه هر آنچه که افراد مذهبی انجام می‌دهند تطابق دقیقی با دین دارد. اگر مصداق‌ها، یعنی افراد دین دار، جذابیت لازم را داشته باشند، دین نیز جذاب می‌شود و اگر عیبی در افراد دین دار باشد، ایـن عیـب را به دین سرایت می‌دهند. زیرا افراد دین دار کسانی هستند که دیـن در آنهـا بـروز کـرده است. امّا مشکلی که وجود دارد آن است که در برخی موارد دین داران هیچ تطابقی با دین ندارند و از آن جا که افراد جامعه، دین را از رفتار دین داران مـی‌فهمنـد، عـدم جـذابیت و محبوبیت دین داران را به پای دین می‌گذارند و از دین گریزان می‌شوند.

آنچه موجب می‌شود که دین داران افراد برجسته و جذابی نباشند، آن است که آنـان در ظاهر دین دارند و به پوسته دین چسبیده‌اند؛ نه به روح دین و از این‌رو، الگوی کامل مربی قرآن محور نیستند.

چه زیباست که دین‌داران باتوجه به قرآن وروایات، نقش خطیـردین داری رابـه خـوبی ایفا کنند و در برخورد با مردم چهره بسیار زیبای دین را به نمایش بگذارند. چرا که مربیان و دینداران بیشترین نقش را در شکل دهی تصویر مذهب در اذهان افراد دارنـد، فلـذا بایـد بیشترین تلاش را نمایند تا الگویی مسلمان شایسته قرار گیرند و الگوی مثلـث دیـن را بـه عنوان مربی قرآن محور سـرلوحه کـارخود قـرار دهنـد. و آن‌گونـه کـه امـام صـادق (ع) می‌فرمایند: «کونوا لنا زینا و لاتکونو علینا شینا: باعث زینت ما باشید نـه سـبب ملامـت و سرزنش به ما» (ابن بابویه، الامالی، ۴۰۰).

۷- نتایج مقاله

۱ـ الگوی مربی قرآن محور در امر تربیت اسلامی بر اساس مثلث دیـن بـا سـه رأس عقاید، احکام و اخلاق ترسیم می‌گـردد و عملکـرد وی در رابطـه بـا ایـن اصـول، میـزان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

تأثیرگذاری وی بر متربی را ارزشگذاری می‌نماید. به گونه‌ای که اگر مربی به یکی از این اصول پایبند نباشد، روش الگویی در تعلیم و تربیت تحقق نمی‌یابد و متربی در مسیر ناصواب قرار می‌گیرد.

۲ـ مفهوم باور در حیطه معارف بینشی است، سخن از ایمان در حیطه گرایشها و عملکردهاست. مثلا اصل مهم در شکل دهی به حوزه عمل مربی، علم و نگرش الهی، یا همان «نیت» و «قصد» می‌باشد که نوعی نگرش الهی و ایمان به خداوند متعال است. از این‌رو، در شاکله الگوی مربی قرآن محور میان بینش، نگرش و کنش ارتباط وثیقی وجود دارد و به نوعی ارتباطی است که قرآن کریم و روایات از رابطه میان ایمان و عمل صالح ترسیم می‌نماید.

۳ـ الگوی مربی قرآن محور تنها در سایه ایمان و عمل صالح تحقق می‌یابد و معیار تشخیص اعمال صحیح از سقیم تشخیص فردی و تمسک به آراء افرادی غیر از معصومین(ع) نیست؛ بلکه معیار عمل، سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در همه جنبه‌های قولی، فعلی و تقریری آن می‌باشد و هر آنچه غیر از این مسیر باشد، ناصواب بوده و چه بسا ره به ترکستان است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]

کتابشناسی

۱. *قرآن کریم*، ترجمه دکتر عبدالمحمد آیتی.

۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

۴. همو، *عیون اخبار الرضا (ع)*، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.

۵. همو، *صفات الشیعه*، تهران، اعلمی، ۱۳۶۲.

۶. همو، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵.

۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.

۸. احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر، بی تا.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، *شریعت در آینه‌ی معرفت*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹.

۱۲. همو، *تفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام*، قم، مدرسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ هـ‍ق.

۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دار العلم، ۱۴۱۲.

۱۵. رحیمی، مرتضی، «تأملی در خلق عظیم پیامبر (ص)»، *معرفت*، ش ۱۴۱، ۱۳۸۸.

۱۶. سعیدی روشن، محمد باقر، *تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.

۱۷. سیوری، مقداد بن عبدالله، *کنزالعرفان*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳.

۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.

۱۹. سیدرضی، محمدبن حسین، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴هـ‍ق.

۲۰. همو، *الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام*، ۱۴۰۶، مشهد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۶.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الفصول المختاره*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.

۲۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۷.

۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم بن ابی زینب، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷.

۲۷. یالجن، مقداد، *اهداف التربیه الاسلامیه*، ریاض، دارالهدی، ۱۴۰۹.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.4.4]